

## فلسطین، از استقلال تا آزادی

منصور حکمت

صفحه ۲

## جهان به اکتبر دیگری نیاز دارد! زنده باد انقلاب کارگری!

سیاوش دانشور

صفحه ۳

## آتش بس کافی نیست!

## حل مساله فلسطین خواست بشریت انسان دوست و آزادیخواه!

آذر ماجدی

صفحه ۵

## در حاشیه اضافه شدن ۱۳ ماده دولت رئیسی به تقویم سال ، ذهن جامعه قابل برگشت به عصر دایناسورها نیست!

هاله طاهری

صفحه ۶

## اعلامیه حزب حکمتیست

## پرده جدید فاشیسم و آپارتاید در قرن بیست و یکم جهان باید علیه هولاکاست در غزه بپاخیزد!

صفحه ۷

## به اخراج فاجعه بار پناهجویان افغانستانی خاتمه دهید!

سعید آرمان

صفحه ۸

## خالی شدن باد "محور مقاومت"

سیاوش دانشور

صفحه ۹

## ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

## تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۰

۷۲۴

# مسئله کمر نیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

جمعه ۱۹ آبان ۱۴۰۲ - ۱۰ نوامبر ۲۰۲۳

## ۱۲ آبان، روزی سیاه در لنگرود

## جمهوری اسلامی مسئول این

## جنایت است!

صحرگاه روز جمعه ۱۲ آبان، لنگرود در استان گیلان شاهد جنایتی هولناک بود. یک مرکز ترک اعتیاد بخوان "قلنگاه" در کلیدر لنگرود تماما سوخت. ۳۲ نفر از آنان زنده زنده آنچنان در آتش سوختند که هویت آنان قابل شناسایی نبوده است. پدری که فرزندش در این مرکز بوده نتوانسته او را شناسایی کند. ۱۶ نفر که در این فاجعه جان سالم به در برده اند، بشدت زخمی و حال چند نفر از آنان وخیم گزارش شده است. این فاجعه دلخراش سوالات زیادی را مقابل جامعه قرار می دهد. چگونه است که در اطاقها قفل بوده که کسی نتواند خود را نجات دهد. مسئولین این مرکز، مدد کار اجتماعی و نگهبان کجا بودند که به داد این بخت برگشته ها برسند. می گویند آتش نشانی در محل آب نداشته و به دلیل قفل بودن درهای مرکز، امکان خاموش کردن آتش را نداشته اند. دهها عامل دیگر که در خلق این جنایت نقش داشتند، و مثل همه موارد یا بی جواب خواهد ماند و یا کسی را مسئول این جنایت خواهند کرد تا دولت رفع مسئولیت کند. خبرهای ضد و نقیصی در مورد علت آتش سوزی کمپ تا کنون از طرف مسئولین استان اعلام شده است. معاون استاندار گیلان گفته است که علت آتش سوزی در بررسی های اولیه آتش گرفتن بخاری، سرایت آتش به پرده ها و نهایتا آتش سوزی کل ساختمان در عین غافلگیری مددجویان و مسئولان کمپ پیوده است. وبعد فرمانده انتظامی استان گیلان اعلام کرده که این آتش سوزی عمدی بوده و فرد متهم حین فرار از استان، در شهرستان لنگرود دستگیر شده است. به گفته نیروی انتظامی فرد متهم با بنزین وارد محوطه شده و کمپ را آتش زده است. می گویند که

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



رابین را اعراب نکشتند، اینها کشتند. این راست باید در یک جدال سیاسی داخلی از طبقه کارگر و سوسیالیسم و ترقی خواهی در این کشور بطور قطع شکست بخورد. این اتفاق هنوز رخ نداده است. بدون این تعیین تکلیف امیدی به صلح پایدار و یک راه حل عادلانه نیست. یک

اسرائیل قومی و مذهبی نمیتواند یکسوی صلح عادلانه در منطقه باشد. استقلال فلسطین یک گام مهم به جلوس است. این گام نه فقط ممکن است، بلکه اکنون دیگر اجتناب ناپذیر شده است. استقلال فلسطین تناسب قوا و چهارچوب تحول سیاسی در منطقه را بهبود میدهد. به نفع امنیت کودک فلسطینی و عابر اسرائیلی است.

اما آزادی مردم فلسطین، خلاصی مردم اسرائیل از جنایاتی که بنامشان میشود و رهایی شان از موقعیت یک ملت ستمگر، خلاصی هر دو سو از تروریسم و نفرتی که قومگرایی و مذهب در هر دو سوی این شکاف دامن میزنند به صرف استقلال فلسطین متحقق نمیشود. آزادی و رهایی در فلسطین و اسرائیل در گرو سوسیالیسم و سکولاریسم در کل منطقه است. در تشکیل کشور و یا کشورهای که در آن مردم مستقل از تعلقات و با تصورات قومی و ملی و مذهبی خویش، بعنوان شهروندان متساوی الحقوق جامعه برسمیت شناخته شوند. استقلال فلسطین کمک میکند که نبرد طبقاتی در اسرائیل و فلسطین هر دو اوج بگیرد. با استقلال فلسطین منطقه به چپ میچرخد.

منصور حکمت

انترناسیونال هفتگی شماره ۲۸  
۲۷ آبان ۱۳۷۹ - ۱۷ نوامبر ۲۰۰۰

## فلسطین، از استقلال تا آزادی

منصور حکمت

دولت اسرائیل همچنان به جنگ ننگینش با کودکان فلسطینی ادامه میدهد. امروز (۱۶ نوامبر ۲۰۰۰) هشت نفر دیگر از جمله یک کودک نه ساله را با گلوله کشتند. و تازه از خشونت فلسطینی ها به آمریکا شکایت میکنند! بیش از ۹۰ درصد از ۲۴۰ قربانی حوادث اخیر فلسطینی اند و بخش اعظم آنها کودکان و نوجوانان اند. این در قاموس هرکس یک جنایت جنگی است. یک نسل کشی است. این نمونه مجسم تروریسم دولتی است. در حالیکه سران دول غربی و سیاستگذاران رسانه ها همچنان به حمایت یکجانبه از اسرائیل و کتمان این حقایق ادامه میدهند، افکار عمومی در غرب و حتی خود خبرنگاران و گزارشگران غربی به نفع فلسطینی ها و علیه دولت اسرائیل میچرخد. بسیج ضد فلسطینی و ضد عرب در غرب پس از پایان جنگ سرد دیگر به صورت قابل ملاحظه نیست. این شکاف عمیق میان پروپاگاند دولتی و برداشتهای مردم از وقایع جاری فلسطین، دیر یا زود بروز میکند. کودک فلسطینی ای که در راه مدرسه و یا در آغوش پدر زخمی اش جان میدهد، جامعه غربی را با ریاکاری ذاتی آراء حاکم و خط رسمی رودر رو میکند. جای تردید است که دول غربی بتوانند سالهای بیشتری به این حمایت کور و غیر انتقادی از اسرائیل در مقابل اعراب ادامه بدهند.

در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم در اسرائیل خواهان صلح و رابطه ای انسانی و عادلانه با مردم فلسطین اند. در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم اسرائیل عمق ظلمی که در این نیم قرن بر مردم فلسطین رفته است را میشناسند و به آن اذعان میکنند. اما این کافی نیست. اسرائیل یک راست قومی و مذهبی بسیار قوی و فعال دارد که مرحله به مرحله و در هر قدم اقی یک راه حل انسانی را کور میکند.

## ۱۲ آبان، روزی سیاه در لنگرود

### جمهوری اسلامی مسئول این جنایت است!

علت آتش زدن کمپ اختلاف فرد متهم با مالک مجموعه بوده است. آیا کسی به مسئولین جمهوری اسلامی باور دارد تا این یکی را مردم از این دولت دزد و فاسد و ریاکار قبول کنند. معلوم نیست این مجموعه، مرکز ترک اعتیاد بوده، یا زندان؟

بیش از سه میلیون از افراد جامعه به مواد مخدر معتاد هستند و سه میلیون خانواده آنان نیز با این معضل اجتماعی و دردآور درگیر و کمترین حمایت از آنان صورت می گیرد. معاون وزیر اجتماعی می گوید هنوز نمی توانیم آمار دقیقی از معتادین ارائه دهیم. دولت جمهوری اسلامی اعتیاد را نه بیماری اجتماعی و عموماً ناشی از فقر، فلاکت، سرخوردگی و ناامیدی که هر روز بیشتر باز تولید میشوند، بلکه آن را جرم می داند و مصرف کنندگان مواد مخدر اجنابی می کنند و به این دلیل کمترین هزینه و اقدامات دولتی در این زمینه صورت می گیرد. معاون وزیر امور اجتماعی یکی از دلایل اصلی اعتیاد را "عدم رعایت مسائل شرعی در خانواده میدانند". دولت جمهوری اسلامی به دلیل عدم سرمایه گذاری بسیار اندک در این عرصه، مراکز ترک اعتیاد را عموماً به بخش های خصوصی سپرده اند و هزینه آن را خانواده ها باید تقبل بکنند. کمپ لنگرود توسط بخش خصوصی اداره می شد. معتادین رفتند سالم به آغوش خانواده و جامعه برگردند، اما سوختند و کسی به دادشان نرسید.



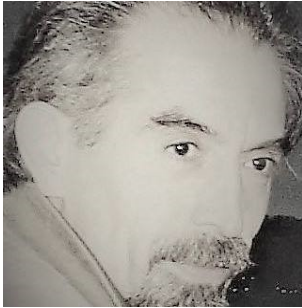
به گفته مسئول زندانها ۴۵ درصد زندانیان مرتبط با مواد مخدر هستند. مواد مخدر در ایران از نان ارزانتر است. سیاه پاسدران بزرگترین نهاد قاچاق مواد مخدر است و به ابزاری برای مریض کردن جامعه مورد استفاده قرار می دهند. جمهوری اسلامی مسئول اصلی جنایاتی است که در کمپ ترک اعتیاد لنگرود اتفاق افتاده است و جامعه به همین عنوان باید به این فاجعه نگاه کنند. ما ضمن اظهار تاسف از این واقعه دلخراش، خود را در غم از دست دادن قربانیان این حادثه با خانواده آنان شریک می دانیم.

\*\*\*\*

سر دبیر



مرگ بر جمهوری اسلامی!



از نیروهای پس مانده تاریخ و انواع ارتجاع قرون وسطائی که تنها در چنین اوضاع در هم ریخته ای میتوانند به مردم تحمیل شوند، نیست.

شکست راست افراطی و جلو آمدن جناح مرکز با وعده های پوچ و تداوم همان پلانتفرم فقر و فاقه، تنها بیانگر این حقیقت بود که سرمایه داری به انحطاط خود رسیده است. مستقل از اینکه چه کسی و چه جناحی از طبقه

حاکم سرکار است و چه وعده ای میدهد، سرمایه داری برای خروج از بحران تنها یک راه دارد و آن کوبیدن طبقه کارگر و به این اعتبار نابودی کل لنگر انسانی و حقوق و حرمت در جامعه و سازماندهی یک بردگی تمام عیار است. به همین اعتبار است که بار دیگر مارکس با کمال احترام به صحنه وارد میشود و اعتبار نقد مارکسی به دنیای موجود بیش از هر زمان حقانیت پیدا میکند. به دلیل این کارنامه سیاه و گندابی که سرمایه داری در چهار گوشه جهان بپا کرده است، و همینطور اثبات عملی و عینی سراب بودن وعده های دمکراسی و بورژوازی برای "آزادی" است که کل زرادخانه تبلیغات ضد کمونیستی بی ارزش و پوچ میشود. اما اینها هنوز از تک و تا نیافتاده اند. از ژوکرهای سیاست و کسانی که نقش شان فقط اینست مثل دلانان برای سرمایه و انتخابات های مسخره اش بازار گرمی کنند تا متوهمان و نوکران این بارگاه که آرزوی کسی شدن در نهاد سیاسی و اداری بورژوازی را در سر میپورراندند، هنوز بدون تهاجم به کمونیسم نمیتوانند خود را تبیین کنند. هنوز حمله به انقلابیگری و رهبران کمونیست و انقلابی یک شغل نان و آب دار برای بسیاری و یک شاخص مهم تعلق به اردوی وسیعتر راست است. و این برای هزارمین بار اثبات میکند که مادام که سرمایه داری برجاست و مادام که قرار است سرمایه روی دوش بردگی کارگر ارتزاق کند، و مادام که خطر بالقوه یک انقلاب کارگری وجود دارد، آنوقت یک حزب جهانی اعلام نشده آنتی کمونیستی وجود دارد که شغل ناشرین آن تولید دروغ و اشاعه خرافه است. این صنعت مانند هر صنعت دیگر برای بورژوازی و تداوم حاکمیت و قلدری سرمایه و کوبیدن کارگر مهم است و در کنار نهاد مذهب نقش مهمی را در بقای وضع موجود ایفا میکند.

### کمونیسم کارگری

اعتبار و حقانیت انتقاد مارکسیستی اما مادام که به پرچم سیاسی طبقه کارگر تبدیل نشود سرمایه داری از جاییش تکان نمیخورد. اگر با فروپاشی سرمایه داری دولتی شوروی و بلوک شرق و سوسیال دمکراسی در کشورهای غربی این نوع سوسیالیسم بورژوائی بپایان رسید و بی اعتبار شد، با بن بست و شکست افقهای راست پیروز در خود کشورهای غربی امکان بازگشت به جناح چپ و مرکز و چهارچوبهای اقتصاد نیمه دولتی و کینزی وجود ندارد. این جنبشها منشا هر نوع بسیج نیرو در دوره بی افقی و فقدان آلترناتیو برای نیروهای طبقه حاکم شوند، اما نمیتوانند منشا بسیج طبقه کارگر برای و تحت نام سوسیالیسم باشند.

امروز بیش از هر زمان کمونیسم بعنوان جنبش سیاسی طبقه کارگر تنها میتواند بر پرچم انتقاد زیر و رو کننده مارکس و منصور حکمت برای تغییر جهان متکی شود. امروز بیش از هر زمان کمونیسم تنها بعنوان کمونیسم کارگری، کمونیسم خود طبقه کارگر که افق نابودی و واژگونی سرمایه داری و برقراری نظامی برتر و متکی بر رفع نیازهای انسانها را هدف خود قرار داده است میتواند موضوعیت داشته باشد. این کمونیسم نه برای تفسیر فلسفی جهان، نه برای تحبیب بخشی از بورژوازی، نه برای اهداف قسمتی و دمکراتیک و ناسیونالیستی، نه برای برپائی سرمایه داری دولتی تحت عنوان سوسیالیسم، نه برای رفم در بازار و مفید کردن مجدد آن به قوانین، نه برای کنترل بانکداران و سفته بازان، نه برای آزادی و استیفای حقوق این و آن "ملت" و "خلق" و "قوم"، نه برای اثبات برتری "نژاد کارگر" و یا هر نوع

صفحه ۴

## جهان به اکتبر دیگری نیاز دارد! زنده باد انقلاب کارگری!

سیاوش دانشور

دنیای امروز در کنار انقلابات تکنولوژیک و انفورماتیک در عین حال دنیای عقبگردهای وسیع است. در جهانی که غرق ثروت است بیش از یک میلیارد نفر گرسنه اند و تعداد بسیار بیشتری از بشریت کارگر به اوج ببحرمتی و بیحقوقی رانده شده اند. رشد توان علمی و تکنولوژیکی و قدرت تولیدی و خلاقیت بشر، که علی القاعده و با هر منطق ساده ای باید به رشد رفاه و تعالی و آزادی عمل انسانها ترجمه شود، در مناسبات سرمایه داری به ابزار انقیاد سیاسی و اقتصادی و واپسگرایی فکری و فرهنگی تبدیل شده است. آنچه در قبال چشمان ما رژه میرود، اعم از جنگ و تروریسم و فعال مایشانی مشتی اقلیت زورگویی بورژوا و دولتها و سخنگویانشان، اگر یک وجه آن تداوم مناسبات استثمار و قانون بردگی مزدی است اما وجه دیگر آن مدیون شکست انقلاب اکتبر و پسرفت جنبشی است که برای دهه های متمادی در بخش اعظم جهان به بورژوازی افسار زده بود.

سرمایه داری بدون جنگ، بدون توسعه طلبی امپریالیستی، بدون اعمال تبعیض و ایجاد تفرقه در اردوی بشریت کارگر، بدون استفاده از نهاد مذهب، و بدون اتکا به پلیس و نیروی سرکوب و بوروکراسی هیچوقت معنی نداشته است. اما چند اخیر و بویژه روندی که با سالهای دهه هشتاد شروع شد، روندی که مشخصه اش تعرض راست افراطی در قلمرو سیاست و اقتصاد و فرهنگ و ایندولوژی به هر دستاورد و ته مانده جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بود، چهره جهان را تماما دگرگون کرد. بازار آزاد افسار گسیخت، هر نوع حق و امنیت اجتماعی پوچ اعلام شد، سرمایه و سود حرف اول و آخر هر بورژوائی شد و جنگی تمام عیار علیه طبقه کارگر و آرمانهای انسانی سوسیالیستی و کمونیستی کارگری شروع شد. دنیا به محل تاخت و تاز تروریسم عنان گسیخته زیر پرچم دمکراسی تبدیل شد و کرور کرور انسان بیدفاع قربانی سرمایه شدند. آنها که توانسته بودند در جنگ درون طبقاتی دو بلوک سرمایه داری شرق و غرب پیروز شوند، در ادامه تلاش کردند برای همیشه کارگر و آرمان کارگری تغییر انقلابی جهان را زیر آوار دیوار برلین مدفون کنند و عقربه ساعت جهان را به قرون وسطی برگردانند. و یادمان هست که چگونه نان به نرخ روز خورهای سیاست رو به قبله تاچریسم و ریگانیسم و بازار بخت شدند، در دانشگاهها و هر تریبونی به کمونیسم و آرمان کارگری لیچار گفتند، و حتی ساده ترین اصول لیبرالیسم و مدرنیسم را با ترهات پست مدرنیسم زیر پا له کردند.

این دوره اگر از نظر سیاسی بعد از چند سال به ته رسید اما از نظر اقتصادی به یمن بازارهای تازه فتح شده بلوک شرق سابق و تهاجم به طبقه کارگر دوره طولانی تری نیاز داشت که به بن بست و بحران برسد. راست افراطی در متن تسلیم و شکست سرمایه داری دولتی در شرق و کینزگرایان سوسیال دمکرات در غرب، و مهمتر روی دوش تهاجم به سازمانهای کارگری و عاشورای ضد کمونیستی "پایان تاریخ"، هنوز میتواند سود سرمایه را تامین کند. اما با بحران اقتصادی جهانی که بارقه های آن از سال ۲۰۰۷ شروع شد جشن راست افراطی بازار هم بپایان رسید. معلوم شد بورژوازی "پیروز" و شکست خورده حرفی برای زدن ندارند. معلوم شد که چگونه حتی در اوج فلاکت عمومی صدها میلیارد دلار از جیب کارگران خالی و به جیب سرمایه داران و بانکداران و سیستمی واریز میشود که خود مسبب تمام مشقات بشر امروزند. معلوم شد دمکراسی و صدور آن به "جهان سوم" تنها با موشک کروز و تروریسم هوایی و نابودی کل یک جامعه ممکن است. معلوم شد تحفه های دمکراسی "ظلم نوینی" چیزی بیشتر

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!





بدون انقلاب اکتبر موازنه فکری و سیاسی - ایدئولوژیکی جهان به سمت چپ بطور کلی نمیچرخید. بدون انقلاب اکتبر ضرورتی بر سر کار آمدن طیفی از دولتهای رفاه در خود اروپای غربی که یک هدف آن جلوگیری از تکرار الگوی اکتبر بود ضروری نمیشد. بدون انقلاب اکتبر طیف متنوع جنبشهای ناسیونالیستی، صنعت گرا، استقلال طلب، دمکرات و رفرمیست، و انواع افسران کودتای خود را "سوسیالیست"

نمیخواندند. انقلاب اکتبر جنبش سوسیالیستی بین المللی را در موقعیت جدید و هژمونیکی قرار داد و عقاید سوسیالیستی را به "مد روز" تبدیل کرد و سوسیالیست بودن برای بسیاری منشأ افتخار شد. این جنبشهای غیر سوسیالیستی با شکست و فروپاشی شوروی، و حتی از اواخر دهه هفتاد، دیگر خود را سوسیالیست نمی نامیدند بلکه به دمکراسی چرخیدند. چون دمکراسی خواهی دست بالا پیدا کرده بود و "مد روز" بود. امروز و در شرایطی که سرمایه داری جهان را به گند کشیده و میلیاردها نفر را به گرسنگی و بیکاری و فقر و سرکوب و زندگی تحت تروریسم محکوم کرده است، بیش از هر زمان جهان نیازمند اکتبر دیگری است. امروز بیش از هر زمان جهان نیازمند احزاب کمونیستی کارگری و رهبرانی چون لنین است. احزابی که تجربه و محدودیتهای فکری و سیاسی و عملی این انقلاب و کل جنبش موسوم به سوسیالیسم قرن بیستم را جمعبندی کرده، احزابی که سوالات امروز و مولفه های دنیای امروز را میشناسند، کمبودهای انقلاب اکتبر را میشناسند و از تکرار آن اجتناب و برای اکتبر دیگری تلاش میکنند.

برای ما کمونیستهای کارگری سالروز انقلاب اکتبر و نگاهی به تاریخ و مسائل آن انقلاب نه یک برخورد نسلالژیک و یادواره ای شبه مذهبی، نه شانه بالا انداختن در مقابل تفاوتهای امروز با آندوران، نه تعمیم دلخواهی چهارچوبهای اجتماعی و تاریخی انقلاب روسیه به ایران امروز و یا هر کشور دیگر، نه چشم بستن به محدودیتهای کمبودهای آن انقلاب، بلکه تلاش برای تکرار اکتبر دیگری در چهارچوب مولفه های دنیای امروز است.

در اینروز شهامت و فداکاری جمعی و فردی بلشویکها و میلیونها کارگر سوسیالیست و کمونیست را که برای آزادی بشر تلاش کردند ارج می نهیم. در اینروز از حقانیت عمل انقلابی جنبش طبقه مان در هر گوشه کره خاکی دفاع میکنیم. در اینروز بر ضرورت عروج مجدد لنین ها و رهبران هشیار و انقلابی کمونیست طبقه کارگر تاکید داریم. بشریت امروز برای راهی راهی جز انقلاب علیه سرمایه ندارد. جهان برای تغییر انقلابی نیازمند برپائی اکتبر دیگری است. انقلاب اکتبر الهام بخش طبقه ما برای تکرار اکتبر دیگری علیه نظام منحن سرمایه داری و برپائی یک جامعه آزاد و مرفه و خوشبخت سوسیالیستی است.

\*\*\*

## منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

## جهان به اکتبر دیگری نیاز دارد! زنده باد انقلاب کارگری!

سیاوش دانشور

"برتری جوئی" سیاسی و "ایدئولوژیک"، بلکه امرش تغییر جهان و آزادی کل جامعه است. کمونیسم مارکسی، کمونیسم کارگری، کمونیسم پراتیک، جنبش واقعی و عینی و انقلابی طبقه کارگر برای نفی وضع موجود است. این کمونیسم نیازمند حزب سیاسی طبقه کارگر، حزب کمونیستی کارگری است که در هر کشور بطور عینی قادر باشد سوسیالیسم را بعنوان یک آلترناتیو سیاسی ممکن و مطلوب در مقابل کل جامعه بگذارد. آلترناتیوی قدرتمند که قادر باشد کل حاکمیت طبقه بورژوازی را همراه با دستگاه سرکوب و بوروکراسی و قوانین تبعیض گرش بزیر بکشد و افق یک دنیای بهتر را به روی بشریت بگشاید.

### اکتبر و لنینی دیگر لازم است

انقلاب کارگری اکتبر علیرغم شکست آن در مرحله تعیین کننده، یعنی اجرای فرمان اقتصادی انقلاب سوسیالیستی، علیرغم کمبودها و محدودیتهای حزب بلشویک، علیرغم تبلیغات زهر آگینی که بیش از هشتاد سال علیه اش صورت گرفت و هنوز ادامه دارد، مهمترین واقعه قرن بیستم بود. این انقلاب جنبش طبقه ما برای تغییر جهان بود و همه افتخارات و محدودیتهای کمبودهایش هم بر عهده طبقه و جنبش ماست. این انقلاب حقانیت داشت و باید در سالروز اکتبر قبل از هر چیز بر حقانیت عمل انقلابی و دورخیز کارگر برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی تاکید کرد. این انقلاب و رگه لنینی حزب بلشویک، در تقابل با سنت رایج و مسلط آندوران یعنی سنت دترمینستی احزاب انترناسیونال دوم که بر عمده رهبران حزب بلشویک نیز تسلط داشت، بر نقش اراده انقلابی و سیاست و پراتیک انقلابی و امکانپذیری سوسیالیسم تاکید میکند. تزهای آوریل لنین فقط یک مجموعه عقاید و تبیین سیاسی و تاکتیک انقلابی نبود بلکه یک خط مشی سیاسی و یک متدولوژی ماتریالیستی - پراتیکی و یک شمه سیاسی تیز و یک درک موقعیت و قاپیدن فرصت هم بود. امری که هر حزب قدرتمند کمونیستی بدون آن میتواند شکست را برای همیشه از آن خود کند. لنین برخلاف خزعبلاتی که عده ای راجع به او میگویند، اعم از بورژواهایی که انقلاب اکتبر را "کودتا" نام میگذارند تا شبه سوسیالیستهایی که از موضع دمکراسی بورژوائی و در بهترین حالت انقلاب را کار "اکثریت طبقه کارگر" میدانند، با توسل به اقلیتی با نفوذ از طبقه کارگر قیام کارگری را سازمان داد و پیروز شد. در تابستان ۱۹۱۷ و در ماههای ژوئن و ژوئیه در شوراهای از میان ۸۰۰ نماینده تنها ۱۰۵ نفرشان بلشویک بود. بقیه "اس آر" و منشویک بودند و کمتر از یکماه قبل از قیام اکتبر، آنهم طی یک واقعه سیاسی یعنی شکست کودتای ژنرال کورنیلوف، بلشویکها تنها در دو شورای مسکو و پتروگراد اکثریت پیدا کرده بودند. حزب بلشویک حزبی کارگری بود اما نه اکثریت طبقه کارگر روسیه و نه اکثریت مردم را در آنزمان و قبل از قیام اکتبر با خود نداشت. اما این مسئله باعث نشد که لنین از موضع دمکراسی شرایطی که امکان گرفتن قدرت هست را نبیند، و قدرت را به اقلیت زورگوی بورژوازی متشکل در دولت کرنسکی واگذار کند. اقدام لنین شرط اکثریت شدن بلشویسم بود. کسانی که مخالف بحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه منصور حکمت هستند، در واقع مخالف سیاست لنین هستند.

بدون انقلاب اکتبر مهمترین واقعه قرن بیستم رقم نمیخورد. بدون انقلاب اکتبر الگوی آزادی طبقه کارگر و الگوی قیام بلشویکی در طول قرن بیست به پرچم آزادی در جهان تبدیل نمیشد. بدون انقلاب اکتبر بسیاری از تغییرات و رفرمها در قلمروهای مختلف به بورژوازی تحمیل نمیشد.

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

**آتش بس کافی نیست!****حل مساله فلسطین خواست بشریت انسان دوست و آزادیخواه!**

آذر ماجدی



آغازی باشد برای سازماندهی یک جنبش بین المللی چپ و انسان دوستانه برای از سرگیری یک تلاش جدی برای تشکیل دولت مستقل فلسطین و بازپس گرفتن زمین های اشغالی.

مساله فلسطین به شرایط کل منطقه و سیاست های ناتو و توازن قوای بین المللی گره خورده است. از اینرو است که ۷۵ سال است منطقه را به آب و آتش کشیده است.

یک بحران دائم بر این منطقه تحمیل کرده است. دولت های غربی، ناتو، تروریسم دولتی در بیست سال اخیر کمر به ویرانی کامل منطقه بسته است. و این نقشه را کماکان پیش می برند. ما نیاز به سازماندهی یک جنبش قوی و چپ انسان دوستانه، قطب سوم، داریم تا در مقابل این جنگ و ویرانی و جنایت قد علم کند. تغییر توازن قوا در منطقه بسوی چپ، آزادیخواهی و سوسیالیسم تنها راه ممکن برای سد کردن این نسل کشی سازمان یافته و ویرانی و کشتار در کل منطقه است. جنبش چپ، رادیکال، آزادیخواه و سوسیالیستی در ایران یک ستون محکم و تعیین کننده این جنبش است.

\*\*\*\*



کشتار و نسل کشی اسرائیل در غزه دنیا را تکان داده است. در بیست سال اخیر اسرائیل بارها به غزه و در سال ۲۰۰۶ به لبنان حمله کرده است. هزاران نفر کشته، ویرانی و بی خانمانی، بمب های خوشه ای بر فراز شهرها؛ این داستان زندگی مردم فلسطین و انسان هایی است که در این منطقه زندگی می کنند. بدنبال هر یک از این یورش های ضد انسانی، دولت اسرائیل گستاخ تر و وقیح تر شده است؛ دولت های غرب، آمریکا در راس آنها، وقیحانه تر از جنایات دولت اسرائیل حمایت می کنند؛ و برزخ مردم فلسطین عمیق تر و تاریکتر می شود.

این بار همچنانکه کشتار گسترش می یابد، اعتراضات وسیع بین المللی نیز گسترش پیدا می کند. میلیون ها نفر در سراسر جهان در حمایت و همبستگی با مردم فلسطین و در محکومیت جنایات دولت اسرائیل به خیابان ها آمده اند. در اروپای غربی، علیرغم ممنوعیت تظاهرات در حمایت از "حماس" (بخوان فلسطین!) هزاران نفر دست به تظاهرات زده اند و عده ای نیز دستگیر شده اند. دنیا بروشنی به دو جبهه تقسیم شده است. چشمان جهانیان به ریاکاری و تبلیغات جنگ طلبانه دولت های ناتو باز شده است. بنظر می رسد که ما شاهد یک بیداری اجتماعی - سیاسی هستیم. حمله اسرائیل به غزه جرقه این بیداری است.

جنبش همبستگی با مردم فلسطین این بار بسیار وسیعتر و پر حرارت تر است. علیرغم سانسور گسترده رسانه های بستر اصلی، امر مردم فلسطین و نفس جنایات اسرائیل به عمق جامعه نفوذ کرده است. چهره ضد انسانی دولت اسرائیل و حامیان و توجیه گرانش بیش از پیش افشاء می شود؛ تبلیغات دروغین و جنگ طلبانه رسانه های بستر اصلی آشکار می شود. حمایت از مردم فلسطین و محکومیت اسرائیل و حامیانش عین عدالت است. در فضای یخبندان رشد فاشیسم از زمان آغاز جنگ اوکراین کشتار اسرائیل جرقه ای شد برای حرکت، برای اعتراض.

تحت فشار این جنبش اعتراضی، سخنگویان لیبرال هیات حاکمه، عمدتا در فرم سلبریتی به میدان آمده اند و تقاضای آتش بس یا آتش بس بشردوستانه دارند! چند هفته پس از بمباران وحشیانه و حمله زمینی، پس از کشتار ده هزار انسان، که ۴۰۰۰ تن آن کودک اند، قلب این "زود رنجان" به درد آمده و تقاضای آتش بس دارند. گویی دو دولت، دو ارتش دارند با هم می جنگند و باید آنها را به پای مذاکره کشاند و آتش بس را امضاء کرد. این روایت دروغین است. اینها سخنگویان "نرم و لطیف" اسرائیل اند. باید اسرائیل را مجبور به توقف نسل کشی کرد. قرار است این بازی ها مدتی دیگر برای اسرائیل وقت بخرد تا عملیاتش را به پایان برساند و بعد "ابرومندان" در احترام به این سلبریتی های لیبرال با ژستی "بشردوستانه" تسلیم شود. زمانی که سلبریتی ها به سازمان ملل می روند و تقاضای آتش بس می کنند، روشن است که سناریوی جدیدی دارد نوشته می شود.

**آتش بس کافی نیست!**

این شعار آتش بس بقول انگلیسی ها "زیادی کم و زیادی دیر" است! اولاً آتش بس بمعنای توقف کشتار تا اطلاع ثانوی است؛ آتش بس بشردوستانه که از این هم رقت بار تر است؛ چند روز آتش بس برای تخلیه اجساد و مجروحین و از سر گرفتن کشتار. این عین روایتی است که دکتری از سازمان دکتوران بی مرز در یک مصاحبه ارائه می داد و می گفت آتش بس خوب است ولی پاسخ نیست.

ما باید خواهان پایان جنگ، خروج بلافاصله اسرائیل از غزه، حمایت بین المللی از مردم فلسطین و محکومیت نسل کشی اسرائیل باشیم. این اولین قدم است. این بهیچوجه پایان مساله فلسطین نخواهد بود. بلکه شاید

**نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!**





امامزاده و یا جنگ مذهبی سیستان و بلوچستان در هزار سال پیش باید دوباره به صحنه تاریخ برگردد؛ چرا باید تاریخ جنگهای خون آلود امامزاده ها را در زندگی مردم و یک جامعه بازسازی کرد؟

حقیقت این است که در خیزش انقلابی سال گذشته در کنار مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسی یکی دیگر از مهمترین موضوعهایی که زنان و جوانان به آن چنگ زدند و پاشنه آشیل

رژیم را تیر زدند مذهب در کل و دین اسلام بطور اخص بود و هنوز هم ادامه دارد. روحانیت نه تنها زیر سوال بلکه به باد استهزا قرار گرفته شد. زنان، جوانان، مردم معترض ایران در قالب پوسیده و خفه و تنگ اسلام، دین و فرامین کهن یک مشت آخوند دایناسور دیگر جای نمیگیرند. فریاد زدند که دیگر قبول ندارند. جهان بیرون ایران نظاره گر این تعرض مدرن مردم انقلابی بود و به وجد آمده بودند. مردم در همسایگی، در دور دستها اعتماد به قدرت خود برای براندازی افکار پوسیده باز یافتند. چه خطری بزرگتر برای یک بنیان گذار تاریخ اسلام سیاسی در خاورمیانه میتواند باشد که از دست مردم به چنین فلاکتی بیافتد؟ اینست که رژیم میخواهد با اعمال همه طرفداهای طرحها، نقشه عملهای انتقام جویانه، کشتار و جنایت این وجه از دست رفته خود را بازسازی کند. اما آیا میتواند؟ جواب این سوال را در ادامه و رشد اعتراضات نسلهایی، بویژه نسل جدید باید دید که در صحنه اعتراضات هر روزه اند. این نبرد ادامه سال گذشته است و زنان و جوانان قصد عقب گرد ندارند. بازگرداندن جمهوری اسلامی به لبه پرتگاه و کار او را ساختن امریست که باید در دستور گردانندگان این انقلاب رو به آینده باشد. با تعرض مردم به جبهه های ساختگی رژیم، با مبارزات پیگیر دوباره طرح های رژیم را با همه طرح های ساختگی اش میتواند فوت هوا کنند. یکی از کارهایی که در اعتراض به این اراجیف نوع تقویم سازی میتوان انجام داد اینست که روز امر به معروف و نهی از منکر را بر سرشان خراب کنند. این روز را به روز اعتراض سکولارها تبدیل کنند، به روز برای حق آزادی بیان، حق پوشش و حق آزادی اندیشه.

روز "نخبگان" را به یاد بود همه جانباختگان، زندانیان سیاسی، شخصیتهای مردمی و رهبران عملی و مغزهایی که مجبور به ترک از ایران شده اند تبدیل کنند. نباید برای یک لحظه تردید کرد که برانگیختن احساسات مذهبی و انتقام گیری این جانوران اسلامی دامن مردم را بگیرد. خنثی کردن غلظت احساسات مذهبی بخشی از مردم که به هر دلیل نامعلومی ممکن است در این روزها برآشفته شود نیاز به کار آگاهگرانه و آموزش جامعه دارد که باز هم دست فعالین و رهبران عملی در محل را میبوسد. در بعد گسترده تر برای رهایی از این افکار و اعمال پوسیده مذهبی ممنوعیت و قطع کردن دست مساجد و مراکز اسلامی و مذهبی در یک جامعه است که اجازه تبلیغ و ترویج و جذب نیرو در میان مردم را نداشته باشند. روزهای تقویم آینده ما پر از روزهای افتخار آمیز تاریخ شکست خوردگان، تاریخ مبارزات برای آزادی و برابری انسانها و تاریخ رو به جلو یک آینده بهتر برای بشریت است.

\*\*\*\*

## اعلامیه حزب حکمتیست

### پرده جدید فاشیسم و آپارتاید در قرن بیست و یکم جهان باید علیه هولاکاست در غزه پیاخیزد!

فوری نسل کشی و بمباران در غزه کرد. مسئولین قتل عام هزاران کودک و مردم عادی و جنایت جنگی باید محاکمه شوند.

توقف فوری جنگ و بمباران مردم غیر نظامی!  
 علیه هولاکاست غزه و مجازات جمعی فلسطینی ها!  
 مرگ بر جمهوری اسلامی!  
 آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
 ۹ آبان ۱۴۰۲ - ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳

## در حاشیه اضافه شدن ۱۳ ماده دولت رئیسی به تقویم سال ذهن جامعه قابل برگشت به عصر دایناسورها نیست!

هلاله طاهری

اخیرا دولت رئیسی با اضافه کردن سیزده ماده به تقویم سالانه، لیستی از تاریخ ارواح و اشباح هزار و چهارصدساله از امامزاده ها را برای حفظ جایگاه خود بعد از زمین لرزه خیزش انقلابی تصویب کرده است. از آنجمله روز "امر به معروف و نهی از منکر"، "نخبگان"، "اولین نماز جمعه خمینی"، "قیام مردم سیستان به خونخواهی شهدای کربلا".

در چند ماه گذشته بعد از غوغا و طرح "عفاف و حجاب" اعمال دیگری را هم پیش برده اند. یک زن را با همان توجیهات قصاص به جوخه اعدام سپردند تا بگویند که سنگسار هم باز میگردد. نماز اجباری در مدارس را براه انداخته و کسانی که رعایت نکنند مجازات اخراج، جریمه و زندان خواهند گرفت. تخلیه مدارس و دانشگاه از معلم و استاد و کارمند لایق و دلسوز برای کودکان و دانشجویان، اعدام های مخفی و علنی در سراسر کشور به جرم نقشه علیه براندازی دولت و به نام "نهی از منکر"، آتش سوزی غیر قابل توضیح خانه بازسازی معتادان در لنگرود همه در این راستا هستند که طنابهای نیم بند این رژیم در حال زوال را ترمیم کنند. با وجود اینکه جهان نظاره گر بود که چگونه زنان و جوانان و بخش وسیعی از جامعه در طی یک سال جنگ با جمهوری اسلامی و فرامین اسلامی اش عبور کرده اند، اما هنوز پایه های لوزان سیستم پوسیده اش پا بر جاست. رژیم با بکار اندازی اتاق فکر اسلامی و آکادمیک شان، ارتش و نیروی مسلح، حجاب بانان و گشت ارشاد و ارادل و اوباش و لباس شخصی ها در تکاپوی شبانه روزی برای خفه کردن یک جامعه بزرگ مانند ایرانند.

اخیرا هم یک فاجعه جهانی و عمیقا غیر انسانی به قیمت ده هزار کشته در یک گورستان بزرگ به نام غزه در فلسطین خونین برای جمهوری اسلامی دستاویزی شده که زیر سایه آن به تجاوز و اذیت و آزار روزانه علیه مردم ایران همچنان ادامه بدهد به این امید که این جنایات را نادیده بگیرند. جمهوری اسلامی بعنوان یکی از بانیان چنین فاجعه غیر انسانی در چهار و نیم دهه کمک به جهاد اسلامی، طالبان، حزب الله، حماس و بسیار بیشتر در منطقه سرناپای وجودشان به خون از دست رفتگان غزه آلوده است. هالوکاست یک ماهه مردم غزه از جانب دولت فاشیست اسرائیل با حضور و نقش جمهوری اسلامی در حمایت از حماس امکان پذیر نبود. در بستر چنین اوضاع متشنج سیاسی که جهان با آن روبرو است رژیم جمهوری اسلامی هنوز به انتقام از زنان و دختران جوان بر سر حجاب و آپارتاید جنسی میپردازد. تهدید "ارمیتاهای دیگر در راه خواهند بود" را نیز آشکارا تبلیغ میکنند. اما همه شواهد دال بر این است که مبارزه تن به تن و جمعی زنان، جوانان، کارگران، بازنشستگان و مردم فرو نشسته اما در اشکال جدید و متناسب با توان امروز به خود گرفته است و قطعا در حال تقویت و بازسازی نیروی خود هستند.

اما برآستی چرا طرح "امر به معروف و نهی از منکر" به تقویم جامعه اضافه کردند؟ چرا روز دوم محرم؟ (روز محرمی که مراسم مذهبی شدت بیمارگونه و انتقام گیرانه برای ترویج کافر کشی هستند) در حالی که جامعه، مدارس و دانشگاهها از وجود معلمین و استادان پاکسازی شده است و با مثنی ملا و آیت الله بی سواد و عصر حجری جایگزین شده اند منظور کدام "نخبه است؟ و چرا این "نخبه گان" انتخاب شده رژیم باید ستایش شوند؟ چرا نماز فلان

## اعلامیه حزب حکمتیست

## پرده جدید فاشیسم و آپارتاید در قرن بیست و یکم جهان باید علیه هولاکاست در غزه پیاخیزد!

تنها پرده ای از جدال ارتجاعی در خارومیانه و جهان است. حماس یک نیروی تروریستی و ارتجاعی دست ساز خود این دولتهاست و تاکنون با حمایت همین دولتهای ارتجاعی سرپا مانده است. مسئله فلسطین بعنوان معرفه ترین مسئله ملی جهان در قرن بیستم، ۷۵ سال تاریخ خونین جنگ و اشغال و پاکسازی قومی پشت سر دارد. در کش و قوس معادلات سیاسی دوران جنگ سرد، در کشورهای منطقه از جمله در فلسطین، حماس و جنبش اسلامی پر و بال داده شد تا سکولارها و چپگرایان در مسئله فلسطین تضعیف و حاشیه ای شوند. خاصیت حماس این بود که مسئله ملی فلسطین را به یک مسئله مذهبی و یک تقابل دینی بدل میکرد. حماس بهانه ای است که اسرائیل بتواند سیاست الحاق کامل را پیش ببرد و جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی بتواند با سوءاستفاده از مسئله فلسطین در منطقه ابراز وجود و معامله کند. این دو در دست هم بازی میکنند، یکی به دیگری پلاقرم میدهد، در واقع نتانیاهو و حماس، تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی، هر دو خواهان نفی مسئله فلسطین اند و ربطی به حل مسئله فلسطین ندارند. حل مسئله فلسطین نیز در گرو انزوای هر دوی اینهاست.

شهروندان کره خاکی شاهد یکی از هولناک ترین کشتارهای کودکان و مردم گرسنه و محرومی هستند که نه دستی در این جنگ و تروریسم کور دارند و نه راهی برای فرار از آن. آنها قربانیان هولاکاست غزه و نظم آپارتاید قومی و مذهبی اسرائیل اند. صنعت حقوق بشر مرده است چون رؤسایش جلو صحنه اند، سازمان ملل ناتوان تر از هر زمانی است، "بشر" طبق اصل اساسی آپارتاید مشمول فلسطینی ها نمیشود. مهمتر، دنیا هنوز باندازه کافی و موثر برای کشیدن لگام تروریستها بمیدان نیامده است، لذا ماشین جنگی دولت اسرائیل با فراغ بال و با حمایت مالی و نظامی و اطلاعاتی و سانسور دولتهای غربی به قتل عام و تهاجم هوایی و دریایی و زمینی ادامه میدهد. اسرائیل هر ده دقیقه یک کودک می کشد، هر روز بیمارستان و مراکز درمانی را مورد هدف قرار میدهد، سر سوزنی برای قطعنامه اخیر سازمان ملل ارزش قائل نیست، وعده نابودی کامل غزه را میدهد و همه اینها با عبارت مضحک "دفاع از خود" توجیه میشود. مسئولان بهداشت و درمان غزه از دستکم ۸۳۰۶ نفر کشته سخن میگویند که ۳۴۵۷ نفر آنها کودک، ۲۱۳۶ نفر زن و ۴۸۰ نفر از سالمندان بودند.

سیستم درمانی و بیمارستانهای غزه بدلیل فقدان دارو و برق و غذا و امکانات اولیه در حال سقوط است. دولتهای منطقه خواهان پذیرش آواره ها نیستند چون میدانند راه برگشتی وجود ندارد. استقرار جان بدربرندگان در گوشه ای از صحرای سینا و چادرنشینی جزو سناریوی پاکسازی قومی است. امید داشتن به دولتهای مدافع دمکراسی که خود بازیگر این سناریوی خونین هستند اشتباه بزرگی است. پیوند دادن مسئله فلسطین و حل آن به جریان تروریستی حماس و تبیین حمله تروریستی حماس به مردم عادی اسرائیل بعنوان "واکنش طبیعی و تاریخی مردم فلسطین به ستمهای اسرائیل" اشتباهی به همان اندازه مهلک است. این دو صورت مسئله اوضاع کنونی و حل مسئله فلسطین اند.

دنیا باید علیه این آپارتاید و کشتار بایستد. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه جهان و منطقه خارومیانه ضروری است علیه کل این اوضاع و آینده تاریخی که در پس این جنگ ترسیم میشود پیاخیزند. تروریسم و جنایت حماس علیه غیر نظامیان محکوم است اما این تروریسم کور با خاک یکسان کردن یک شهر و بازسازی هولاکاست در غزه را توجیه نمیکند. تروریسم هوایی و نسل کشی پاسخ تروریسم اسلامی نیست. کارگران کشورهای خارومیانه و جهان هیچ منفعتی در برآمد فاشیسم و آپارتاید در خارومیانه و جست و خیز جریانات فاشیستی در اروپا ندارند. مردم جهان از تروریسم اسلامی و مجازات جمعی بیزارند. ریکاری دمکراسی و دفاع نظم سرمایه از تروریسم و آپارتاید را باید بمصاف طلبید. دولتهای اسلامی و استبدادی را باید در خارومیانه سرنگون کرد. مسئله فلسطین باید بصورت عادلانه حل شود. پیشاپیش آمریکا و دولتهای غربی و ائتلاف ماشین جنگی اسرائیل را باید و آدار به توقف

کشتار روزافزون کودکان و مردم عادی در غزه نفس را در سینه جهان حبس کرده است. دولتها و سازمان ملل و صنعت حقوق بشر با همه امکانات و اهرمها، ظاهراً ناتوان از رسیدن به یک آتش بس موقت و تامین کمکهای انساندوستانه فوری اند. اما فروکاستن جنگ به تقابل ارتش اسرائیل با شبه نظامیان حماس در غزه و حتی به مسئله تاریخی فلسطین، درعین آنکه این فاکتورها از اجزای صورت مسئله اند، توجه ها را از ابعاد گسترده تر و اهداف جنگ جاری دور میکند. میدان این جنگ غزه و بدرجه ای کرانه باختری است اما اهداف بسیار فراتری را تعقیب میکند. لابلای بمبارانهای مهیب و قتل عام بی تبعیض، در دود و غبار انفجار مناطق مسکونی و بیمارستانها و قطعه قطعه شدن غیرنظامیان و بیماران، در متن نسل کشی کودکان فلسطینی که یک سوم تلفات تاکنونی را بخود اختصاص میدهند، تولد همراه با چرک و خون یک نظم جدید را مشاهده میکنیم: رسمیت دادن مجدد به نظم آپارتاید با سیاست کولونیالیستی الحاق تتمه سرزمینهای فلسطینی، پاکسازی جمعی و قتل عام مردم گرسنه و بیمار در اردوگاه بزرگ غزه. این طلوع خونین "خارومیانه جدید" است.

این اشتباه را نباید مرتکب شد که امثال بایدن و شرکای غربی و حامیان فالانژ تداوم قتل عام دولت اسرائیل در غزه، معنا و مصداق "جنایت جنگی"، "مجازات جمعی"، "نسل کشی"، "پاکسازی قومی" و "آپارتاید مذهبی و نژادی" را نمایندند و یا از بی توجهی مطلق دولت اسرائیل به مصوبات سازمان ملل بیخبرند. برعکس، این نظم جهانی سرمایه داری است که پیشکسوت این روشها است، خود از خالقین و مجریان آنها بوده است و امروز در متن چرخش به راست جهانی بار دیگر به آپارتاید نژادی و مذهبی و روشهای متناسب با آن رسمیت میدهد. مسئولیت آنچه در غزه امروز اتفاق می افتد، بایدن و دولت آمریکا و ائتلاف دولتهای غربی و دولت اسرائیل و رسانه های بی شرمی هستند که ابزار توجیه هولاکاست در قرن بیست و یکم شده اند. فاشیسم تاریخاً محصول دمکراسی بوده است، همینطور اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی.

امروز نیز ائتلاف نتانیاهو و فاشیستهای اسرائیلی تا انواع احزاب فاشیستی و حتی ضد یهود در اروپا، احزاب دست راستی در کشورهای مختلف از جمله در ایران، دولتهای دمکراسی و رسانه های مزدور؛ ائتلاف بزرگی است که کل این واپسگرایی در جوامع و روشهای جنایت جمعی و تروریسم کور را نمایندگی میکنند. در سوی دیگر، جنبش مرتجع و بورژوائی اسلام سیاسی از جمهوری اسلامی تا حماس، مسئله فلسطین را سپری برای جدال قدرت و منفعت خویش کردند و در سیاست و روش و عملکرد با نتانیاهوها فصل مشترک جدی دارند. هر دو بر آپارتاید مذهبی و نفرت قومی تکیه دارند و هر دو خواهان نفی مسئله فلسطین اند. در این میان نیروهای خواهان حل عادلانه مسئله فلسطین، مردم عادی در فلسطین و اسرائیل، بشریتی که این ترور و توحش و آپارتاید را نمیخواهد، هزینه این جنگ ارتجاعی را میدهند.

نتانیاهو و وزرای رسماً فاشیست وی، سیاست کابینه جنگی برای الحاق کامل سرزمینهای فلسطینی و پاکسازی قومی فلسطینیان و کوچاندن اجباری آنها از خانه و کاشانه شان با بهانه نابودی حماس،





رزق و روزی خود را از خزانه "دولت" و کیسه مردم و اربابانشان تامین می کنند و مردم بخت برگشته را به خدا محول می کنند. پناهجویان در حالی برگردانده می شوند که در خود افغانستان در نتیجه زلزله و سیل هزاران انسان کشته و جمعیت بیشتری مصدم شده اند و بازماندگان این فجایع طبیعی روزی هزار بار مرگ را بر چنین زندگی ای ترجیح می دهند.

با وجود فصل سرما در این کشور کوهستانی و سردسیر و عدم حل معضل مسکن رانده شدگان، دهها هزار انسان با مخاطرات جدی ناشی از سلب مسئولیت وحوش طالبان و دولتهای ضد انسانی ایران و پاکستان روبرو شده اند.

نباید به این کشورها اجازه داد اینچنین با جان انسانهای دردمند و نیازمند بازی کنند و از خود رفع مسئولیت بکنند. دولتهای پاکستان و ایران باید به روند بازگرداندن پناهجویان افغانستانی پایان دهند و با جان میلیونها انسان بازی نکنند. سازمان ملل باید به مسئولیت خود در قبال پناهجویان افغانستانی بویژه در دو سوی مرز ابتدا مانع از بازگرداندن پناهجویان به افغانستان بشوند و دوم در تامین امکانات غذایی و اسکان آنان به هر شیوه ممکن عمل بکند.

سعید آرمان  
دهم نوامبر



GETTY IMAGES

## به اخراج فاجعه بار پناهجویان افغانستانی

### خاتمه دهید!

سعید آرمان

دهها هزار پناهجوی افغانستانی مقیم ایران و پاکستان به دلیل فشار دولتهای مذکور ناچار به بازگشت به افغانستان هستند. به گفته مقامات رژیم اسلامی حدود پنج میلیون پناهنده افغان در ایران زندگی می کنند که تعداد زیادی از آنان فاقد برگه اقامت در ایران هستند. کمیسیون امنیت ملی، وزارت خارجه و سر انجام وزیر کشور خواهان اخراج پناهجویان افغانستانی از ایران شده و به بازگرداندن اجباری آنان اقدام نموده اند.

همزمان دولت پاکستان نیز اقدام به تعیین مهلت برای خروج داوطلبانه پناهجویان تا آخر ماه اکتبر نمود که دهها هزار نفر تنمه زندگی خود را علیرغم میل خود به اقامت و زندگی چندین دهه خود در این کشور پایان داده اند و راهی افغانستان تحت حاکمیت وحوش طالبان شده اند. فقط یک میلیون و سیصد هزار افغانستانی ثبت شده در پاکستان زندگی می کنند.

این پناهجویان عمدتاً بیش از سه دهه و بعضاً چهار دهه است در پاکستان زندگی و کار می کنند و در مدارس و دانشگاههای این کشور درس خوانده اند و فارغ التحصیل شده اند و کار کرده اند و در سوخت و ساز این جامعه سهیم بوده اند، اما انگار در جوامعی مانند ایران و افغانستان این انسانها تا ابد پناهجو باقی خواهند ماند و هرگز به شهروندی نائل نخواهند شد.

ناچار کردن پناهجویان افغانستانی مقیم پاکستان و ایران به بازگشت به سرزمینی که وحوش طالبان بر آن حکم می رانند که زن بودن جرم است و از حق تحصیل محروم می شوند. به خودی خود نیمی از جمعیت از حق حیات محروم می شوند. طالبان بر این باورند که "خدا مسئول رزق و روزی انسانهاست" بنابراین این به آنها ربطی ندارد که مردم تهیدست افغانستان از نان خالی محروم هستند چه جای اینکه در رفاه زندگی کنند و مسئولیت تغذیه بخور و نمیر آنان را به گردن سازمان ملل و سازمانهای جانبی آن انداخته اند تا از شر فقر و فاقه ای که اکثر مردم افغانستان با آن دست و پنجه نرم می کنند، نجات یابند.

معضل دیگر این جمعیت بالغ بر هزاران نفری که تحت فشار دولتهای همسایه ناچار به برگشتن اجباری از پاکستان و ایران شده اند، مسئله اسکان این جمعیت عظیم است که به دلایل مختلف به یک کابوس واقعی برای این جمعیت عظیم تبدیل شده است و امیدی به ساماندهی این بحران عظیم انسانی توسط طالبان بطور مطلق نیست. آنان (مسئولین طالبان)

من در خنده هایمان نه شادی می بینم نه رضایت

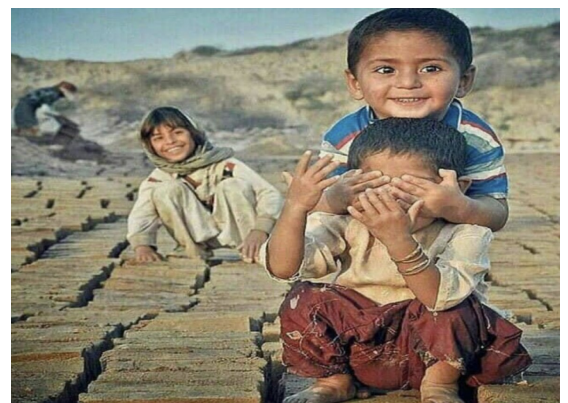
من به خنده شما میگیرم کوچکاتم

من لعنت می فرستم به این زندگی که این چنین شما کودکان را اسیر خاک و خشت کرده است.

اگر در فکر کودکانه ات زندگی را همین می بینید، من به شما می گویم این زندگی نیست، جهنم برای شما کودکان است.

کودکان، بردگان کار و سرمایه!

رونیا ذاکری از فعالین و مبارزین شهر تبریز مخالف جمهوری اسلامی پس از بازداشت مجدد در خیابان به دلیل عدم رعایت حجاب اسلامی توسط سرکوپگران اسلامی در بیمارستان اعصاب و روان رازی در تبریز بستری و ممنوع الملاقات شد. او را اخیراً بعد از تزریق داروهای مشکوک از بیمارستان آزاد کرده اند. رونیا ذاکری هنگام بازداشت توسط وحوش اسلامی در خیابان، در انظار عموم چندین بار با صدای بلند، "مرگ پر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور" سر داده است. او دانشجوی کارشناسی هوش مصنوعی در دانشگاه تبریز است. جمهوری اسلامی با این اعمال وحشیانه می خواهد هزینه مبارزه جوانان علیه جهل و جنایت را بالا ببرد!



شورا مجمع عمومی سازمان یافته و منظم است!





طرفین درگیر از اسرائیل و ائتلاف آمریکا و کشورهای عربی تا جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی است که این دور در چهارچوب کنونی پایان یابد. آنچه که در معادله جنگ کنونی اهمیت ندارد انتظارات و تبلیغات خشکه مقدس ها از هر سو است. اینکه با مواضع خامنه ای و نصرالله نیرو از دست میدهند و دبیرش دامنگیرشان میشود، شبیه تبلیغاتی است که میخواهد اسرائیل را نابود کند. همینطور راست‌های اپوزیسیون که خواب حمله نظامی به ایران را می‌دیدند نیز مانند خشکه مقدس های جنبش اسلامی احساس خوبی نخواهند داشت.

رژیم اسلامی مشغول مذاکره با آمریکا و یک پای مذاکرات برای آزادی گروگان‌ها در دست حماس است. بقای حکومت در داخل اساس فلسفه وجودی نیروهای منطقه ای و جنگ و تروریسم و تبلیغات پوک است. در این میان تنها "محور مقاومت" یک ستونش را موقتاً از دست داد و باد تبلیغات هوادارانش خالی شد. معلوم شد این محور بیشتر یک نیروی مزدور است تا جریانی سیاسی و اعتقادی و بدون اجازه ارباب آب هم نمی‌خورد.

آنچه میماند کم کردن خُسران این ماجرا برای جنبش اسلامی و یافتن چهارچوبی بعنوان "پیروزی" حماس است. همان ایده ای که از روز پنجم جلو آمد، حماس و جمهوری اسلامی برای آن اعلام آمادگی کرد و آن چیزی نیست جز مبادله گروگانها با زندانیان فلسطینی و ثبت ضربه ۷ اکتبر حماس به اسرائیل بعنوان "عملیاتی حماسی". در این میان مسئله فلسطین و مهمتر جان و خانه دو میلیون فلسطینی بازیچه و وجه المصلحه این شطرنج کثیف و خونین شد.

۴ نوامبر ۲۰۲۳

## خالی شدن باد "محور مقاومت"

سیاوش دانشور

چند روز تبلیغات برای سخنرانی حسن نصرالله این پیام را میداد که قرار است با اعلام جنگ معادلات کنونی جنگ اسرائیل - حماس تغییر کند. اما این انتظار بدرجه ای بعد از سخنان خامنه ای و اینکه "دستی نداشتند" و بعدتر قبول "رفراندوم" بیجا بنظر می‌رسید. اما هنوز این ابهام و انتظار وجود داشت که جنگ نیابتی جمهوری اسلامی با اسرائیل ضرورتاً خود رژیم ایران را وارد نمی‌کند اما با اتکا به نیروهای موئتلف اش در منطقه میتواند جلو برود. "دیپلماسی موشکی" حزب الله و پرتاب چند موشک و پاسخ در همین سطح توسط اسرائیل، تحرک نیروهای وابسته به رژیم ایران در حمله بسیار محدود به پایگاه های آمریکا و باز هم پاسخ محدود آمریکا، و حتی اظهارات بلینکن بعنوان درک موضوع و رعایت تناسب در واکنش، نشان داد این اقدامات بیشتر آبرو خریدن و برای متحد نگهداشتن نیروهای خودی در داخل و خارج ایران است.


سخنان نصرالله که ادامه مواضع واقعی تر و غیر تبلیغاتی و غیر شعاری رژیم اسلامی بود، تاییدی بر یک توافق برسر دامنه جنگ جاری است. همان موضوعی که رییس پنتاگون آنرا "مهار جنگ" مینامد و این اطمینان که جبهه جدیدی گشوده نخواهد شد، یعنی نه حزب الله و نه جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته وارد نمی‌شوند. لذا اسرائیل میتواند مشغول کشتار در غزه و نابودی "متروی غزه" حماس باشد.

رهبری حماس البته در دسترس و تیررس نیست. این تعدادی شبه نظامی، و اساساً و عمدتاً مردم عادی فلسطین، در این قتل عام کشته میشوند. آنچه که از بین میرود حاکمیت حماس بر غزه است و نه خود حماس. همه ظاهراً بر این بها در این مقطع توافق دارند. به نفع همه

ریشه زن کشی در دنیای امروز

این قرون وسطی نیست. این عصر سرمایه داری است. هر چه با بازار و سود تناقض داشته باشد، دیر یا زود کنار زده میشود. بسیاری از جان سخت ترین افکار و تعصبات و راه و رسمهای کهنه در برابر نیازهای پیش پا افتاده و روزمره تجارت و تولید ور افتاده اند. و لاجرم، اگر زن آزاری و زن ستیزی و تبعیض و خشونت علیه زن هنوز یک واقعیت یا برجای زندگی مردم این عصر است، اگر علیرغم جنبشهای قوی و اجتماعی برای رهای زن، هنوز ستم جنسی در چهار گوشه جهان حکم میراند، باید حکمتش را همینجا، در همین عصر و در مصالح همین نظام جستجو کرد.

جنایت از سر "جنون" همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است. از مطلب: زن در زندگی و مرگ. منصور حکمت



**اسلام و اسلام زدایی**  
**منصور حکمت**  
**ژانویه ۱۹۹۹**

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی‌حقوق و بی‌حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

**نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!**



## ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

**تجمع اعتراضی کارکنان رسمی شرکت نفت و گاز آغاچاری**  
روز شنبه ۱۳ آبان ماه ۱۴۰۲، کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌های‌شان مجدداً دست به تجمع زدند. اعتراض کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در مراکز عملیاتی نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌های حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت است. همچنین روز دوشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه ۱۵، ۱۶ و ۱۷ آبان ماه ۱۴۰۲ نیز، کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌های‌شان مانند روزهای گذشته دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی کارکنان رسمی شرکت نفت

روز شنبه ۱۳ آبان ماه ۱۴۰۲، کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌های‌شان مجدداً دست به تجمع زدند. روز یکشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۲ نیز، کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت نفت فلات قاره در منطقه سیری، کارکنان رسمی شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب، کارکنان رسمی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره در جزیره خارک، در اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولین نسبت به خواسته‌های‌شان مجدداً دست به تجمع زدند. این کارکنان نسبت به حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی، عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت معترض هستند.

### اعتراض کارکنان اخیرالاستخدام شاغل در مناطق عملیاتی نفت

روز سه‌شنبه ۱۶ آبان ماه ۱۴۰۲، جمعی از کارکنان اخیرالاستخدام وزارت نفت شاغل در مناطق عملیاتی اروندان، مناطق نفت‌خیز، زاگرس جنوبی، ملی حفاری، پالایشگاه دالان، نفت و گاز آغاچاری و نفت و گاز غرب (چشمه خوش) نسبت به نحوه تعیین کف حقوق و مزایای به شکل حداقلی و بی‌عملی و عدم پاسخگویی مسئولان به خواسته‌های آنان دست به اعتراض زدند.

### اعتصاب کارگران شرکت آرمه نو پتروشیمی چابهار

بنا بر گزارش منتشر شده روز دوشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۲ کارگران شرکت آرمه نو شاغل در پتروشیمی چابهار با حاضر نشدن در محل کار و جلوگیری از ورود مهندسين به داخل شرکت بدلیل عدم پرداخت معوقات پنج ماهه خود دست به اعتصاب زدند. ده‌ها کارگر این شرکت با حضور در مقابل درب ضلع غربی ورودی شرکت پتروشیمی در مکان کارفرما دست به اعتصاب زده و از ورود مهندسين این شرکت ممانعت کرده‌اند. تعداد ۱۵۰ کارگر این شرکت ساختمانی مهندسی زیر شعبه پتروشیمی از خرداد سال جاری حقوق و معوقات دریافت نکرده و صبح روز جاری پس از ماه‌ها درخواست و عدم رسیدگی دست به اعتصاب زده و خواستار پرداخت حقوق ۵ ماه خود شده‌اند.

### مرگ یک کارگر در حادثه آتش‌سوزی کانکس نگهبانی

در حادثه آتش‌سوزی کانکس نگهبانی در یکی از پروژه‌های عمرانی مستقر در شهرک فرهنگیان نیشابور در استان خراسان رضوی، یک کارگر ۶۳ ساله جان خود را از دست داد. در این حادثه یک دستگاه

کانکس که به محلی برای نگهبانی و استراحت کارگر تبدیل شده بود، به دلایل نامعلومی طعمه حریق شد. این کارگر هنگام آتش‌سوزی در کانکس محبوس و بر اثر سوختگی فوت کرده است.

### آتش‌سوزی در کانکس استراحت کارگران

بر اثر وقوع آتش‌سوزی در کانکس استراحت کارگران در پروژه راهسازی جاده سرچم، جاده گوگ تپه شهرستان میان‌دوباب در استان آذربایجان غربی، یک کارگر حدود ۴۵ ساله جان خود را از دست داد و یک نفر دیگر دچار مصدومیت شد. از فرار معلوم این حادثه حوالی ساعت ۲۳:۳۰ شب ۱۵ آبان ماه، برای دو کارگر نگهبان رخ داده است.

### مرگ یک کارگر ساختمانی بر اثر سقوط از ارتفاع

یک کارگر ساختمانی در محدوده بلوار عبدالمطلب شهر مشهد واقع در استان خراسان رضوی، هنگام کار در یک واحد ساختمانی، بر اثر سقوط از ارتفاع طبقات جان باخت. این کارگر که حدود ۶۵ سال سن دارد به دلیل عدم استفاده از تجهیزات ایمنی از ارتفاع به پایین سقوط کرده و ماموران امداد و نجات با استفاده از آمبولانس پیکر بی‌جان وی را به بیمارستان منتقل کردند اما وی به دلیل شدت جراحات وارده جان سپرد.

### تجمع اعتراضی رانندگان مینی‌بوس‌های رفسنجان

اخبار منتشر شده حاکی از تجمع اعتراضی رانندگان مینی‌بوس‌های رفسنجان که کار سرویس‌دهی به مدارس و کارخانه‌ها را انجام می‌دهند نسبت به کاهش سهمیه سوخت دارد. این رانندگان می‌گویند که ماهانه ۱۲۵۰ لیتر می‌گرفتیم و کمبودی نداشتیم، منتهی هست ۱۰۰ لیتر کم کردند تا یک ماه و نیم قبل سهمیه را به ۵۰۰ لیتر رساندند که به دفتر نماینده و فرمانداری مراجعه کردیم اما مشکل حل نشد.

### تجمع اعتراضی پرستاران بیمارستان امام در ارومیه

روز شنبه و یکشنبه ۱۳ و ۱۴ آبان ۱۴۰۲، پرستاران و کارکنان درمانی بیمارستان امام ارومیه در اعتراض به پرداخت نشدن بستانکاری‌ها و سایر مطالبات و همچنین تعرفه‌گذاریها در حقوق دریافتی و عدم رسیدگی به مشکلات معیشتی‌شان دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی معلمان خرید خدمات اصفهان

معلمان خرید خدمات در محل سخنرانی وزیر آموزش و پرورش در اصفهان دست به تجمع اعتراضی زدند. معاون وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به وضعیت معلمان خرید خدمات اظهار داشت: قانون اجازه نمی‌دهد در مسیری غیر از آزمون، معلمی را جذب کنیم اما این مساله را در مجلس با اعتقاد عرض کردم که ما آمادگی داریم تا معلمانی را که گزینش شده و عملکرد آنها به تایید رسیده است، جذب کنیم.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان

روز یکشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد البرز مرکزی، البرز غربی، صنایع فولاد اصفهان، مطابق با یکشنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی تجمع کردند. همچنین بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش مقابل ساختمان فرمانداری و بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز نیز مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان و همچنین پیگیری خواست آزادی بی‌قید و شرط معلمان و کارگران زندانی و اعتراض به فشار و پرونده‌سازی

## ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

دستگاه‌های امنیتی علیه فعالین سیاسی و اجتماعی مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به جمع زدند. در همین روز بازنشستگان تأمین اجتماعی به همراه بازنشستگان فرهنگی کرمانشاه و دزفول نیز مقابل سازمان تأمین اجتماعی این شهرها دست به جمع زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان صنعت نفت اهواز

روز دوشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۲، بازنشستگان و کارکنان صنعت نفت در اعتراض نسبت به دست‌درازی به صندوق بازنشستگی نفت، مقابل صندوق امانیه دست به اعتراض زدند.

#### تجمع و راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان مخابرات

روز دوشنبه ۱۵ آبان‌ماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان مخابرات منطقه خوزستان، اصفهان، سنندج، کرمانشاه، اردبیل، ایلام، مریوان، رشت، تهران، شهرکرد، اراک، خرم‌آباد، زاهدان، قزوین، بندرعباس، زنجان، شیراز، ارومیه، ساری، همدان، بیجار و تبریز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته‌ی دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

#### تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان کشوری

روز دوشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۲ بازنشستگان کشوری در تهران مقابل سازمان برنامه و بودجه و روز سه‌شنبه ۱۶ آبان‌ماه ۱۴۰۲، جمعی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری در سنندج و کرمانشاه مجدداً و مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش

روز چهارشنبه ۱۷ آبان‌ماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش در تداوم اعتراضات خود نسبت به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً و مقابل دفتر نماینده مجلس این شهر دست به تجمع زدند.

#### تداوم اعتراض بازنشستگان و بازماندگان صنعت نفت اهواز

روز چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۲ و برای سومین روز متوالی، بازنشستگان و بازماندگان صنعت نفت اهواز نسبت به دست‌درازی به صندوق بازنشستگی نفت مقابل صندوق بازنشستگی صنعت نفت غرب دست به تجمع زده و خواستار ابطال مصوبه دولت برای ادغام صندوق‌های بازنشستگی شدند.

#### گزارش وضعیت ۱۷ بازداشتی در مراسم آرامیتا گراوند

شماری از شهروندان در جریان مراسم خاکسپاری آرامیتا گراوند، بازداشت شدند. تاکنون هویت هفده تن از آنان که اکنون در بازداشت بسر می‌برند را به نام‌های حمید عباس پور، هاشم مهرعلیان، مجید هوشنگ کیان پور، محمدرضا فخیم‌آور، مهران حاجی‌هاشمی، اصغر سیدفرجی، علی سوخته‌زا، رامین بنده، ایمان میری، سیامک مسیح پور، یوسف هوشیار، محمد فضل‌اللهی، مسعود زینال‌زاده، محمد گراوند، نسرين ستوده، نیلوفر میرزایی و نگار استاداها، احراز شده است. این شهروندان در زندان‌های اوین و قرچک و رامین نگهداری میشوند.

#### دیوان عالی احکام متهمان پرونده روح‌الله عجمیان را تأیید کرد

در جریان برآمد توده‌ای سال گذشته یک بسیجی به نام روح‌الله عجمیان در کمال‌شهر کرج کشته شد و گروهی از معترضان در این رابطه

دستگیر و محاکمه شدند. خبرگزاری قوه قضائیه جمهوری اسلامی (میزان) از قطعی شدن احکام صادره علیه بازداشت‌شدگان این پرونده خبر داد و نوشت پس از رسیدگی و صدور احکام مجدد، آرای صادره در دیوان عالی کشور قطعیت یافت و بدین ترتیب حمید قره‌حسنلو به ۱۵ سال حبس نفی‌بلد؛ رضا آریا، حسین محمدی و مهدی محمدی هر کدام به ۱۰ سال حبس نفی‌بلد، محمدامین اخلاقی ساوجبلاغی، امین مهدی شکراللهی و فرزانه قره‌حسنلو هر کدام به پنج سال حبس نفی‌بلد و علی معظمی گودرزی به سه سال حبس نفی‌بلد محکوم شدند. "نفی‌بلد" اصطلاحی در فقه و حقوق اسلامی است که به معنای تبعید است. حمید قره‌حسنلو، رادیولوژیست پیش از این به اتهام "مشارکت" در کشته‌شدن روح‌الله عجمیان، به اعدام محکوم شده بود اما با افزایش فشارهای بین‌المللی، ۲۸ فروردین‌ماه سال جاری به "۱۵ سال حبس در تبعید در یزد" محکوم شد. محمدمهدی کرمی و محمد حسینی دو متهم ردیف اول این پرونده پس از شکنجه شدن در زندان، ۱۷ دی‌ماه سال گذشته اعدام شدند. اعدام این دو معترض جنبش سراسری با واکنش‌های گسترده بین‌المللی روبه‌رو شد.

#### ضرب و شتم شدید معلم زندانی جواد لعل‌محمدی

بنا به اخبار منتشره، روز سه‌شنبه ۹ آبان ۱۴۰۲، انیت و آزار آقای لعل‌محمدی و خانواده‌اش و فراهم نکردن امکان ملاقات، موجب اعتراض جواد لعل‌محمدی شد و در پی این اعتراض توسط کارکنان زندان مشهد به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و با وجود کبودی زیر چشم‌ها و پارگی پرده گوش و خونریزی و حال نامناسب به سلول انفرادی منتقل شده است.

#### اعدام زندانی سیاسی قاسم آبیسته پس از ۱۴ سال زندان

بنا به خبر منتشر شده سحرگاه روز یکشنبه ۱۴ آبان‌ماه ۱۴۰۲، زندانی سیاسی قاسم آبیسته که مدت ۱۴ سال در زندان‌های مختلف زیر تیغ اعدام به سر برده بود، اعدام شد.

#### ۱۴۰ ضربه شلاق برای اعضای کانون صنفی معلمان بوشهر

بنا به روایت رای شعبه چهار دادگاه کیفری بوشهر، اعضای هیات مدیره این کانون برای دومین بار طی پنجاه روز اخیر با اتهامات اخلاف در نظم عمومی به مصداق تجمع غیر قانونی معلمان به حبس و شلاق محکوم گردیدند. آقایان محمود ملاکی، اصغر حاجب، عبدالرضا امانی فر و محسن عمرانی هر کدام به سه ماه حبس و ۳۵ ضربه شلاق محکوم شدند که قاضی حبس ایشان را به هفت میلیون تومان و شلاق را به پنج میلیون تومان جریمه نقدی به نفع دولت تبدیل نموده است. بنا به اخبار کانون صنفی معلمان استان بوشهر، هر چهار نفر متفق‌القول اعلام نمودند علاوه بر نداشتن تمکن مالی در پرداخت این جریمه، ترجیح می‌دهند حبس و شلاق را تحمل نموده اما اندک نان مانده در سفره فرزندان خود را به حلق دزدان و اختلاس‌گران ردای دولتمرد پوشیده نریزند.

#### تشکیل پرونده جدید و صدور کیفرخواست برای محمدحبیبی

محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران، برای پرونده‌ای جدید به دادگاه فراخوانده شد. این فعال صنفی در تاریخ ۲۰ دی‌ماه در شعبه دوم دادگاه کذب‌انقلاب شهریار با اتهام اجتماع و تبانی محاکمه خواهد شد. این پرونده مربوط به بازداشت این فعال صنفی در تاریخ ۱۶ فروردین سال جاری است و مصداق درج شده در پرونده مربوط به تجمعات معلمان در اعتراض به مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان مدارس دخترانه در تاریخ ۱۶ اسفندماه سال ۱۴۰۱ است. محمد حبیبی، یکم خرداد ماه بعد از ۴۵ روز با قرار وثیقه یک میلیارد تومانی از بازداشتگاه ۲۰۹ آزاد شد. حبیبی طی سال‌های گذشته، در اسفندماه ۹۶، اردیبهشت ۹۷ و فروردین ۱۴۰۱ نیز بخاطر فعالیت‌های صنفی بازداشت شده و این سومین بار است که در طی این سالها به دادگاه فراخوانده می‌شود.

بازداشت سیامک چهارزی، انصاری و موسویان از معلمان خوزستان روز دوشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۲، نیروهای امنیتی با یورش به تجمع معلمان بازنشسته مقابل سازمان برنامه و بودجه که با هتاکی



## ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

و توهین همراه بود تعدادی از تجمع کنندگان از جمله سه نفر از معلمان اهل خوزستان به اسامی سیامک چهرازی، انصاری و موسویان را بازداشت کرده و به مکان نامعلومی انتقال داده‌اند.

#### پرونده مسعود زینال زاده به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب ارجاع شد

کیفرخواست پرونده آقای مسعود زینال زاده از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران صادر شد و به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران با قضاوت قاضی افشار ارجاع شده است. زینال زاده پیش‌تر در مراسم تدفین آرمیتا گراوند بازداشت شده بود و به زندان اوین منتقل شد.

#### ریحانه انصاری نژاد جهت تحمل حبس راهی زندان اوین شد

روز دوشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۲، ریحانه انصاری نژاد، فعال کارگری، جهت تحمل دوران حبس، راهی زندان اوین شد. خانم انصاری نژاد، پس از حضور در شعبه اجرای احکام دادرسی اوین، جهت تحمل دوران حبس به زندان اوین منتقل شد. خانم انصاری نژاد چندی پیش توسط شعبه پانزدهم دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی از بابت اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور" به چهار سال حبس تعزیری محکوم شد. همچنین وی در باب مجازات تکمیلی به منع عضویت در احزاب، گروه‌ها، دستجات سیاسی و فعالیت در فضای مجازی، رسانه‌ها و مطبوعات و خروج از کشور به مدت دو سال محکوم شده است.

#### جان مجاهد کورکور در خطر است

مجاهد کورکور زندانی سیاسی، پس از شکنجه‌های فراوان و ضرب و شتم در زندان به کما رفته است.

#### احمد علیزاده، جهت تحمل حبس راهی زندان ایلام شد

احمد علیزاده، دبیر ورزش دبیرستان‌های آبدانان، استان ایلام، از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، جهت تحمل دوران محکومیت خود راهی زندان ایلام شد. احمد علیزاده، در تاریخ ۲۵ مهر ۱۴۰۱ در رابطه با اعتراضات سراسری در شهرستان آبدانان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و پس از چندی با تودیع وثیقه آزاد شد. اواخر اسفند ۱۴۰۱، آقای علیزاده توسط شعبه اول دادگاه انقلاب ایلام با اتهام "تشکیل دسته و گروه بیش از دو نفر به قصد برهم زدن امنیت کشور" به شش سال و یک روز حبس تعزیری، از بابت اتهام "تبلیغ علیه نظام" به هفت ماه و شانزده روز حبس تعزیری، بازنشستگی اجباری، اقامت اجباری در شهر فنوج از توابع سیستان و بلوچستان و منع فعالیت در فضای مجازی محکوم شد. همچنین ایشان مجدداً در تاریخ ۱۷ دی‌ماه ۱۴۰۱، توسط نیروهای امنیتی در آبدانان بازداشت و به زندان ایلام منتقل شده بود.

#### فواد فتحی بازداشت و به زندان اوین منتقل شد

فواد فتحی، فعال کارگری اهل سنندج و ساکن تهران روز شنبه سیزدهم آبان، توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.

\*\*\*

"... نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت.

این بار خامی و خوشباوری انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی‌طلب اینبار به مراتب تحزب یافته‌تر خواهد بود.

احزاب و نیروهای سرنگونی‌طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند.

اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمیپذیرند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افق‌ها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی‌طلبی بیشتر اوج میگیرد.

بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده‌ای بشدت در درون خود پلاریزه میشود. صفتبندی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری- کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصاف مقدم جنبش سرنگونی‌طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به آنجاست. به انقلاب کارگری...

« منصور حکمت »

کانال تلگرامی یک دنیای بهتر



### زنده باد شوراهای!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده‌ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه‌ها و محلات شوراهای را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

[Saeed\\_arman2002@yahoo.co.uk](mailto:Saeed_arman2002@yahoo.co.uk)

uk

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegan@gmail.com](mailto:saidyegan@gmail.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی  
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!